( 231 )

هو الله

ای ورقۀ منجذبه بنفحات الله نامه‌ات قرائت گردید و در نهایت حزن و حسرت تلاوت شد تأثیر شدید نمود و آتشی در دل افروخت فی الحقیقه مظلومی و در راه خدا هدف تیر بلا و مطعون بسهم جفا هر مظلومی بر مظلومی تو گریه نماید و هر محزونی بر حزن تو ناله و انین آغاز کند آنچه فریاد و فغان نمائی حق داری ولی اگر بدقت نظر فرمائی مظلوم راه بهائی و مصیبت زده در سبیل آن دلبر بیهمتا لذا صبر و تحمل نما گریه مکن مویه منما ملأ اعلی از حزن تو محزونند و اماء حضرت یزدان بر مصیبت تو دلخون این ایام بسر آید امیدوارم که اسباب خوشی فراهم آید هیچ وقت فراموش نشوی و از خاطر نروی دمبدم بیادت افتم و از برایت فضل و رحمت حضرت پروردگار طلبم اشعار در نهایت فصاحت و بلاغت بود و مضمون بسیار ملیح و دلنشین حقا که خواهر ورقاء مهر پروری و همشیره آن ناظم در و گهر امیدوارم که در جهان ملکوت شادمان شوی و یقین است که کامران گردی اطفال را از قبل من بنواز بنهایت مهربانی رضوانیه کاتبه حروف را برضوان الهی بشارت ده آقا میرزا حبیب الله را بمحبت الله مژده بخش میرزا وجیه الله را بتوجه بحق مألوف کن امة الله فرح انگیز بسیار عزیز است بیتی که میرزا وجیه الله گفته بسیار شیرین بود و علیک التحیة و الثنآء (ع ع)